

Discourse Genres in Rokuat (Case Study of Surah Al-Baqarah)

Ahmad Zare' Zardini¹, Mohammad Ali Lessani Fesharaki², Meysam Khalili³

Assistant Professor, Meybod University, Meybod, Yazd, Iran

Assistant Professor, Islamic Azad University, Karaj Branch, Alborz, Iran

Phd Student, Meybod University, Meybod, Yazd, Iran

Abstract

One of the newest topics of Quranic study is the discourse genres in the language of the Holy Qur'an which can be examined from different perspectives, one of them is to recite the efforts of Traditional scholars. For example, study about Rokuat that includes verses related to an issue and is an old divisions of the Holy Qur'an and identified with «ع» in codices of quran. By studying the ordering of the verses in rokuat as a part of the revelation of a surah, we can extract the patterns of texturing and the text structure of the Holy Qur'an. The present article analyze surah al- baqara as a case study. Surveys show that the discourse genres in surat al-baqarah are as below: general patterns including semitic rhetoric (parallel construction, ring composition , mirror composition), numerical pattern, oppositional discourse (dual confrontation between faith and disbelief), the sequential pattern (the order of giving blessings to the Israelites), the logogenesis with example , the expression diversity(the response to the resurrection in the form of mention Three stories), stylistic patterns include the same expressive way in the verses of bowing (commands) and the beginning of the common verses of bowing; the patterns based on the speech genres contained narrative genre (the story of Adam and the narrations of the Talut and Goliath), and the legal speech(jurisprudence).

Keywords: Quranic verses, surah al- baqarah, Discourse Genres, Rokuat, Koranic discourse, Logo genesis

گونه‌شناسی ساختار چینش آیات در رکوعات قرآنی (مطالعه موردی سوره بقره)

احمد زارع زدینی^{۱*}، محمدعلی لسانی فشارکی^۲، میثم خلیلی^۳

۱- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران

zarezardini@gmail.com

۲- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

lessan171@yahoo.com

۳- دانشجوی دکترا گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران

meysam.khalili1370@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث جدید قرآن‌شناسی، مطالعه الگوهای گفته پردازی در زبان (بیان) قرآن کریم است. بررسی این موضوع از زوایای مختلف امکان‌پذیر است؛ یکی از آنها بازخوانی کوشش‌های مرتبط با این موضوع در میان متقدمان است. همچنین، بازخوانی و تحلیل رکوعات قرآنی که از تقسیم بندی‌های کهن متن قرآن کریم بوده و با علامت «ع» در برخی مصاحف شناخته شده، با این نگاه از نقطه‌های شروع در این مباحث است. با مطالعه چینش آیات در رکوعات یک سوره، الگوهای متن‌سازی (گفته پردازی) و ساختار متن قرآن کریم استخراج می‌شوند. جستار حاضر درصدد است با بهره‌گیری از روش‌های مختلف تحلیل شکلی و محتوایی و نیز روش‌های نقد متن به این پرسش پاسخ دهد که چینش آیات در رکوعات سوره بقره بر چه الگوهای استوار است تا بدین وسیله الگوهای گفته پردازی را بازشناسد. بررسی‌ها نشان می‌دهند الگوهای گفته پردازی در این سوره به الگوهای عمومی شامل بلاغت سامی (ارتباط متقابل متون به صورت متوازی و دایره‌ای)، ساختار شمارشی، تقابل یا گفتمان برابر (تقابل دوگان ایمان و کفر و انفاق و ربا) ساختار توالی (ترتیب زمانی اعطای نعمت‌ها به بنی‌اسرائیل و ذکر انبیای الهی به ترتیب زمانی)، شیوه تفصیل با بیان مصداق و تمثیل (رفتارشناسی منافقین)، تصریف در بیان (پاسخ به شبهه معاد در قالب ذکر سه داستان)، الگوهای سبک ساز شامل شیوه بیانی یکسان در آیات رکوع (اوامر) و آغازین مشترک آیات رکوع، الگوهای مبتنی بر گونه سخن شامل سخن روایی که دربردارنده (داستان آدم و روایت طالوت و جالوت) و سخن حقوقی و بیان آیات‌الاحکام تقسیم می‌شوند.

واژه‌های کلیدی

رکوعات قرآنی، سوره بقره، چینش آیات در رکوع، گفته پردازی، الگوهای بسط متن، گفتمان قرآنی.

طرح مسئله

به‌طور کلی یکی از مسائل مهم در خوانش یا فهم متون و آیات قرآن به‌صورت خاص، الگوهای حاکم بر ارائه گفتار یا گفتمان یا متن است؛ بدین معنا که نویسنده براساس چه الگوهایی جملات را کنار هم قرار می‌دهد تا متن، گفتار یا گفتمان تولید شود. آشنایی با این الگوها کمک شایانی در فهم و برقراری ارتباط با یک متن می‌کند. الگوهای متن‌سازی مانند همه اجزا و بخش‌های زبان در طول تاریخ دچار تحولاتی می‌شوند و ممکن است یک الگوی متن‌سازی در یک دوره رواج یابد و در عصرهای دیگر از بین برود و در اینجاست که متونی که با آن الگو ایجاد شده‌اند، برای افراد بعدی نارسا و گنگ جلوه می‌کنند.

این دست از مطالعات در فضای جدید مطالعات قرآنی در شاخه گفتمان‌شناسی متن قرآن کریم جایابی می‌شوند. برخی از پژوهشگران این عرصه برآن‌اند که در گفتمان قرآنی، زنجیره‌مندی متنی در بطن یک سوره، میان خوشه‌ای از دو یا چند سوره متوالی، در بطن آیه یا میان خوشه‌ای از آیات رخ می‌دهد (عبدالرئوف، ۱۳۹۰ق، ص ۱۸).

یکی از زمینه‌های پژوهش در مطالعات گفتمان‌شناسی قرآن کریم، سخن گفتن از الگوهای گفته‌پردازی در قرآن است. به‌طور کلی این دست از مطالعات با دو نگاه به‌صورت هم‌عرض به پیش می‌روند؛ نخست، مطالعه گفته‌پردازی در قرآن کریم با روش بین‌رشته‌ای است. در این رویکرد با استفاده از دست‌آوردهای دانش گفتمان‌شناسی معاصر، مطالعه گفته‌پردازی در قرآن بررسی می‌شود. برخی از آثاری که با این نگاه شکل گرفته عبارت است از: نخست،

تأثیر نقش نماهای گفتمانی «واو» و «فاء» در تحلیل معنی آیات قرآن» نوشته رضیه حجتی‌زاده؛ دوم، «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان قرآنی» بررسی ادعاهای ریچارد بل در خصوص منقطع‌بودن قرآن» نوشته حسین عبدالرئوف؛ سوم، «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمان در سوره نبأ بر اساس الگوی تنشی»، نوشته نصیری و همکاران؛ چهارم، «نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی» نوشته زهرا محقیان؛ پنجم، «زبان‌شناسی مفهوم متن در قرآن کریم» نوشته حسین شمس‌آبادی و اصغر مولوی ناقچی؛ ششم، «بررسی ساخت‌های گفتمان‌مدار سوره قصص براساس الگوی ون لیون» نوشته عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی و همکاران؛ هفتم، «نقش یادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف» واکاوی داستان‌های یاران غار و خضر و موسی»، نوشته فریده داوودی مقدم و همکاران و هشتم، «تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره قارعه با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» نوشته احمد پاکتچی و همکاران.

نگاه دوم در بررسی گفته‌پردازی قرآن کریم بازخوانی کوشش‌های پیشینان است؛ یعنی آن دسته از مباحثی که با این نگاه مجدداً خوانش می‌شوند. یکی از آنها رکوعات قرآنی است؛ یعنی ساختار گفته‌پردازی در سوره‌ها را واحدهایی به نام رکوعات شکل داده است. از طرف دیگر، شناخت و تحلیل الگوهای گفته‌پردازی در رکوعات نیز بسیار مهم است. بر اساس این، مقاله حاضر شناخت گفتمان قرآنی را با تحلیل گفته‌پردازی در رکوعات قرآنی آغاز کرده است؛ یعنی به شناخت، تحلیل و بررسی اسلوب گفته‌پردازی در رکوعات قرآنی پرداخته است.

است که رکوعات در شناساندن نظم چینشی آیات در سوره‌ها دارند. در این راستا پرسش اصلی پژوهش این است که ساختار چینشی آیات در رکوعات سوره بقره بر چه الگوهایی استوار است. برای پاسخ‌گویی به پرسش مذکور، در پژوهش حاضر با مطالعه موردی ساختار چینشی رکوعات سوره بقره، گونه‌های مختلف ساختاری چینش آیات در ۴۰ رکوع این سوره بررسی و تحلیل شده‌اند.

همچنین باید گفت در زمینه مطالعه ساختاری رکوعات و اثبات نظم و انسجام موضوعی آیات قرآن بر پایه رکوعات قرآنی تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

پیشینه پژوهش

قرآن کریم دارای ۵۵۵ واحد موضوعی است. بر اساس این، سوره فاتحه الکتاب و سوره‌های عبس تا آخر مصحف شریف «تک واحدی» اند و بقیه سوره‌ها متشکل از دو تا چهل واحد موضوعی اند که با علامت «ع» در مصاحف قرآنی تعیین شده‌اند. همچنین قدما برای مسئله حفظ و ثبت رکوعات قرآنی در مصاحف اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و علامت رکوع در تمامی نسخه‌های قرآن (تا قبل از قرن اخیر) ثبت می‌شده است. برخی از علما رکوعات قرآنی و تعداد و مواضع دقیق و مستندات آنها را در آثار خود مطرح کرده و عنایت خاصی به آن داشته‌اند (مرادی زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

به اعتقاد برخی، پیشینه تاریخی تقسیم بندی آیات قرآن کریم به رکوعات، به دوره پیامبر (ص) باز می‌گردد؛ به این مناسبت که پیامبر اکرم (ص) پس از قرائت سوره حمد در رکعات اول و دوم نمازهای

«رکوعات که همان واحدهای موضوعی درون سوره‌های قرآن است، با علامت "ع" در مصاحف قرآنی تعیین شده و از پیشینه تاریخی کهن برخوردار است؛ اما در برخی چاپ‌های قرآن کریم در قرن اخیر، به علت عدم توجه به اهمیت این تقسیم‌بندی، این علامت حذف شده است و در برخی نسخه‌ها و چاپ‌های قرآن نیز به دلیل کم‌توجهی به آن در بعضی قسمت‌ها فراموش شده و یا احیاناً جابه‌جا نهاده شده است. رکوعات قرآنی درصدد مطرح کردن روش خوانش و چگونگی فهم و ارتباط موضوعی آیات قرآن است. واحدهای موضوعی (رکوعات) جنبه موضوعی دارند و هر واحد موضوعی در مقام بیان یک موضوع است و واحدهای موضوعی آغاز و انجام موضوعی دارند» (مرادی زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۵۷).

در این پژوهش الگوهای متن‌سازی و پاراگراف‌نویسی در قرآن، اکتشاف و استخراج شده‌اند و کوشش شده است با تحلیل رکوعات قرآنی، الگوهای متن‌سازی در آیات قرآن شناسایی شوند. بررسی ساختار رکوعات قرآنی و تلاش در راستای اثبات انسجام ظاهری یا محتوایی آیات دربرگیرنده یک رکوع، نقش چشمگیری در فهم بهتر آیات قرآن دارد؛ زیرا در این روش، آیات مرتبط با یکدیگر در یک گونه سخن قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر، ساختار چینشی رکوعات سوره بقره را بررسی و تحلیل می‌کند تا کوششی برای اثبات نظم و انسجام موضوعی قرآن و بستری برای پژوهش‌های بعدی باشد.

یکی از اهداف و کاربردهای سبک بررسی آیات قرآن کریم براساس رکوعات، توجه به ابعاد و نقشی

است. استاد محمودحسن دیوبندی از علمای هندی، این تفسیر را حدود دو قرن پیش در هفت جلد (منطبق با هفت حزب قرآن کریم) به زبان اردو تدوین کرده است. این تفسیر به زبان فارسی نیز ترجمه شده که متن درسی است و چه بسا به دلیل همین درسی‌بودن، براساس رکوعات تنظیم شده است.

اما باید گفت در زمینه بررسی و تحلیل ابعاد مختلف رکوعات قرآنی، محتوای آنها و نقش آنها در فهم قرآن، تا کنون پژوهش مستقلی جز دو مقاله زیر یافت نشد:

- علی‌پور، میثم. و سعدی‌آبادی، علی‌اصغر. تأملی بر دلالت تفسیر سوره‌شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.

- زارع زردینی، احمد. بررسی نظم سوره‌های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین. دوفصلنامه علمی پژوهشی تفسیر و زبان قرآن، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش. در قسمت کاربست عملی مقاله مذکور، تقسیم‌بندی آیات سوره یاسین به رکوعات مختلف، بررسی و موضوعات اصلی این رکوعات تبیین شده است. نویسنده با تحلیل رکوعات این سوره به تبیین و ارائه نظم چینی آیات در سوره یاسین پرداخته است.

پژوهش پیش رو با روش مطالعه موردی (سوره بقره) می‌کوشد با تحلیل چینش آیات در رکوعات قرآنی به ارائه مهم‌ترین الگوهای متنی قرآن کریم دست یابد تا راه و نگاهی نو در بررسی و تحلیل بیشتر پدیده رکوعات قرآنی ارائه کند.

یومیه، گاه یک سوره کوچک و بیشتر اوقات یکی از قسمت‌ها را می‌خوانده‌اند و سپس به رکوع می‌رفتند. دقت در ثبت و ضبط این علامت به حدی بود که در بسیاری از مصحف‌ها در طلیعه سوره بیان می‌شد که این سوره چند رکوع دارد. در متن سوره نیز، جایگاه یکایک آنها نسبت به تعداد کل رکوعات سوره، مشخص و با درج علائم و شماره‌هایی معین می‌شد (لسانی فشارکی، ۱۳۹۵ش، ص ۸۹-۹۱). پژوهش حاضر فارغ از شواهد تاریخی درباره رکوعات، با بررسی متنی می‌کوشد میزان اتقان و دقت این تقسیم‌بندی قرآنی را نشان دهد. به عبارت دیگر، اگر شواهد تاریخی و نشانه‌های مصاحف کافی دانسته نشود، رکوعات به منزله یکی از تقسیم‌بندی‌های متن قرآن بررسی می‌شوند.

درباره ابعاد مختلف رکوعات، پژوهش‌های اندکی در دست است که برخی از این آثار عبارت‌اند از:

- مدیرشانه‌چی، کاظم. و قرآن‌های چاپی، مشکات، شماره دوم، بهار ۱۳۶۲، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین. (۱۴۱۶ق). نور ملکوت قرآن، ج ۳، ص ۳۰۸، ۳۲۳ و ۳۲۷، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی.

- مرادی زنجانی، حسین. و لسانی فشارکی، محمدعلی. (۱۳۸۵ش). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. بی‌جا: انتشارات قلم مهر.

- لسانی فشارکی، محمدعلی. و مرادی زنجانی. حسین. (۱۳۹۵ش). سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم). قم: انتشارات نصایح.

اما تفسیر کابلی، تنها تفسیری است که رکوعات را به طور جدی و با دقت تمام ملاک تقسیم قرار داده و آیات را منطبق با تقسیمات رکوعات تفسیر کرده

علاوه بر اثبات پیوستگی کلام، اساساً به دنبال تعیین اشکال گوناگون تقارن است. این تقارن‌ها ساختمان متن را می‌سازند. سه نوع تقارن یا سه شکل تألیف وجود دارد: ۱. توازی یا ساختار متوازی؛ وقتی که واحدهای یک متن به همان ترتیب نخست باز ظهور یابند. ۲. ترکیب دایره‌ای یا حلقوی؛ وقتی که واحدهای یک متن به صورت دایره‌ای متحدالمرکز مرتب می‌شوند. ۳. نظم آینه‌ای یا معکوس؛ وقتی که عنصر وجود ندارد (منیت، ۲۰۰۴م، ص ۹-۹۳). این اشکال می‌تواند معادل لف و نشر مرتب و مشوش (معکوس) در بلاغت کلاسیک عربی ارزیابی شود.

بلاغت سامی برخلاف بلاغت یونانی که متکی بر منطق خطی متن است، به ساختار کلی متن می‌پردازد. در بلاغت سامی که به منزله نحو کلام عمل می‌کند، بلاغت، فن تألیف کلام است و نه صرفاً فن تزیین آن. به عبارت دیگر، همان‌طور که علم نحو جمله را ترکیب و تألیف می‌کند، این نوع از بلاغت به نحوه ترکیب و تألیف کل متن اهتمام دارد. در این اندیشه، ساختار، آستن معناست و کشف ساختار متن، فهم دقیق آن را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین غایت تحلیل بلاغی، تفسیر درست متن است و با فراهم آوردن سیاقی به بزرگی کل متن، راه را بر تفاسیر دلخواهی از اجزای متن می‌بندد.

عملیات تجزیه متن براساس تحلیل چگونگی اطاعت ساختار از قوانین بلاغت صورت می‌گیرد؛ برای مثال، یکی از قوانین بلاغت سامی این است که درون مایه مرکز هر سیستم، بیشتر در مرز سیستم متقارن دوباره نمایان می‌شود. این و دیگر قوانین تقارن، توضیح می‌دهد چرا خواننده در خوانش خط به خط خویش، بیشتر به ظهور دوباره یک واژه خاص

۱. الگوهای بسط متن در گفته پردازای رکوعات قرآنی سوره بقره

با تحلیل چینش آیات در رکوعات سوره بقره، الگوهای بسط متن (گفته پردازای) در رکوعات به سه دسته تقسیم می‌شوند: الگوهای عمومی، الگوهای سبک‌ساز، الگوهای مبتنی بر گونه سخن.

۱-۱. الگوهای عمومی بسط متن در گفته پردازای رکوعات قرآنی

رکوعات قرآنی از روش‌های زبانی جذابی برای بسط متن و ارتباط دادن مفهومی آیات بهره می‌گیرند که مشتمل بر استفاده از سازوکارهای دستوری و واژه‌هایی‌اند که دلالت پردازای معنایی و ویژگی‌های مؤلفه‌ای آنها، ارتباط مفهومی میان آیات متوالی را به هم می‌چسباند. در این میان، گاه بسط متن بر پایه الگوهای انجام می‌گیرد که برخی از آنها عمومی‌اند و در هر متن عربی امکان بهره‌گیری از آنها در بسط متن وجود دارد. این الگوها عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. بسط متن (گفته پردازای) رکوع با الگوی بلاغت سامی.

در برخی از رکوعات قرآنی، آیات براساس الگوهای بلاغت سامی تدوین شده‌اند. نظریه بلاغت سامی ریشه در مطالعات کتاب مقدس دارد و خاستگاه آن به حدود دویست و پنجاه سال پیش باز می‌گردد. مطابق بلاغت سامی، متون براساس مجموعه پیچیده از تقارن‌ها در سطوح مختلف متن بنا شده‌اند. کاربست این نظریه که با «تحلیل بلاغی» از آن یاد می‌شود، تبیین نظم متون را عهده دارد. تحلیل بلاغی، تشخیص روابط موجود میان عناصر سازنده متن،

توجه نشان می‌دهد؛ بنابراین، شالوده این شیوه بیشتر عینی است تا تجربه مضمونی، و روشن است یکی از نکات جالب آن رد اتهام بی‌نظمی است که بیشتر بر متن قرآنی وارد می‌شود (سیلوی بویس لیوه، ۱۳۸۸ش، ص ۴۹).

میشل کویپرس برای نخستین بار، روش تحلیل بلاغی را در متن قرآن به کار بسته است. او از مبسوط‌ترین اثر خود در این حوزه به نام «The Banquest A reading of the Fifth Sura of Quran» (خوانشی از پنجمین سوره قرآن) به اثبات نظم و انسجام سوره مائده می‌پردازد (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴ش، ص ۱۲-۱۴).

اما در اثبات کارکرد نظریه بلاغت سامی، این نظریه در رکوعات قرآنی نیز آزمایش، بررسی و تحلیل شد.

۱. الگوی بلاغت سامی از نوع متوازی، در رکوع ۳۱ سوره بقره یافت می‌شود که شامل آیات ۲۶۱ تا ۲۶۶ این سوره است. هدف اصلی این رکوع، بیان شرح حال کسانی است که به انفاق و بخشش اموال خود می‌پردازند. آیات این رکوع، مردم را دعوت به انفاق می‌کند و در مرحله نخست، جهت این دعوت و غرضی را بیان می‌کند و می‌فرماید: هدف این کار باید خدا باشد نه مردم و در مرحله دوم، صورت عمل و کیفیت آن را تبیین می‌کند که باید منت و اذیت به دنبال نداشته باشد. به بیانی دیگر، غرض و نیت افراد در انفاق و بخشش در آیات مختلف این رکوع به دو بخش کلی، تقسیم و سپس برای هر گروه مثلی بیان شده است. در آیات ۲۶۱ تا ۲۶۳ این سوره به بخشش مال و انفاقی اشاره شده است که در راه خدا و همراه با خلوص کامل باشد. این انفاق همانند بذری است

که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ» (A)

خداوند متعال این تشبیه را برای بیان برکت در مال افرادی استفاده کرده است که از روی اخلاص انفاق می‌کنند. در انتهای آیه ۲۶۱، عبارت «واسع علیم» به کار رفته است؛ یعنی قدرت خداوند نامحدود است و هر مقدار که بخواهد بر مال ایشان برکت می‌دهد و همچنین آگاه به امور بندگان است که آیا این بخشش از روی اخلاص صورت گرفته یا خیر.

در مقابل اخلاص در انفاق، بخشش همراه با منت، اذیت و ریاکاری مطرح است که در آیه ۲۶۴ از آن یاد شده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (B)

گروه دومی افرادی اند که بخشش همراه با اذیت و ریا و منت انجام می‌دهند که در این رکوع از ایشان یاد شده است. خداوند متعال این عمل ایشان را به قطعه سنگی تشبیه می‌کند که روی آن قطعه نازکی از سنگ باشد و رگبار باران به آن برسد و آن را بشوید و با خود ببرد و ضمن این تشبیه به تباهی عمل ایشان تأکید کرده است. فساد این عمل

هم نازل شده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۸۶-۶۱۵).

۲. شاهد مثالی بر الگوی بلاغت سامی به صورت دایره ای (نوع دوم)، رکوع ۱۴ بقره (آیات ۱۱۳ تا ۱۲۱) است. در آیه ۱۱۳ روی سخن با سه گروه یهود، نصاری و مشرکان است و داوری اختلافات ایشان را ارجاع به خداوند متعال می‌دهد «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۱۱۳) (A و B)؛ در دو آیه ۱۱۴ و ۱۱۵، اقدامات عملی مشرکان به دلیل عداوت با اسلام و اثرنداشتن این اقدامات اشاره شده است «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱۱۴) وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (۱۱۵) (B')؛ در ادامه آیات، روی سخن با یهود و نصاری است و اعتقاد شرک‌آمیز ایشان مبنی بر تثلیث را یادآور می‌شود و خداوند را از این صفت منزّه می‌داند «وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَكْدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ» (۱۱۶) بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (۱۱۷)؛ (A') روی سخن آیه ۱۱۸ دوباره با مشرکان است و در نادانی و کژاندیشی ایشان را ملحق به اهل کتاب می‌کند «وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْ لَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا

به قدری است که در ادامه آیه، یکی از مصادیق کفر مطرح شده است «وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ». در آیه ۲۶۵، روی سخن دوباره به گروه نخست باز می‌گردد و بار دیگر ضمن بیان تشبیهی، اخلاص ایشان در انفاق را می‌ستاید «وَ مِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِتِّغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (A').

روی سخن خداوند در آیه ۲۶۶ یعنی آیه آخر این رکوع با گروه دوم است و زشتی عمل ایشان را با نقل تشبیهی دیگر بیان می‌دارد «أَيُّودٌ أَحَدَكُمُ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَغْنَابٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفَاءُ فَاَصَابَهَا إِغْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (B') در این آیه شریفه، عمل افرادی که به نیت اذیت و ریا و منت انفاق می‌کنند، به باغ‌هایی تشبیه می‌شود که میوه‌هایی دارند، ناگهان گردبادی همراه با آتش تمامی محصولات این باغ را از بین می‌برد. در این تمثیل، به تباهی و ناپایداری عمل ایشان اشاره شده است. در انتهای آیه نیز افرادی که دچار گناه ناخالصی در انفاق‌اند، به تفکر در آیات الهی دعوت شده‌اند.

درخور ذکر است تقسیم بندی آیات ۲۶۱ تا ۲۶۶ در یک رکوع، با تقسیم بندی موضوعی برخی مفسران تفاوت‌هایی دارد؛ برای مثال علامه طباطبایی، به دلیل تناسب سیاق و وحدت موضوعی، آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره را در تفسیر المیزان شرح و تفسیر کرده است. علامه معتقد است سیاق این آیات به موضوع انفاق اختصاص دارد و مضامین آنها به یکدیگر مرتبط‌اند و این موضوع را می‌فهماند که این آیات با

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (۱۱۸)؛ (B^۳) سپس در آیه ۱۱۹، در نتیجه گیری کلام، پیامبر اکرم(ص) را مبشّر و منذر و نتیجه اندیشه‌های باطل را جهنم معرفی می‌کند «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (۱۱۹)؛ در آیات انتهایی رکوع نیز به دلیل و علت عداوت یهود و نصاری با پیامبر اکرم تأکید می‌کند «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ الْهُدَىٰ وَلَنْ أُتْبِعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (۱۲۰) الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (۱۲۱)؛ در این آیات، تنها شرط رضایت یهود و نصارا از نبی اکرم(ص)، پیروی پیامبر(ص) از آیین ایشان بیان شده است و به دلیل اینکه پیامبر(ص) از ناحیه خداوند هدایت می‌شود و از ایشان پیروی نمی‌کند، هرگز از او راضی نخواهند شد. به طور کلی محور اصلی آیات، عداوت و دشمنی یهود، نصاری و مشرکان است که در آیه ۱۱۳ (نخستین آیه رکوع) به آن اشاره شده است و در آیات بعدی هر یک از این مصادیق توضیح داده شده‌اند.

۳. الگوی بلاغت سامی به صورت متوازی، در رکوع ۲۱ بقره (آیات ۱۶۸ تا ۱۷۶) تجلی یافته است. در آیه ابتدایی این رکوع، به استفاده از پاکیزگی‌ها و پیروی نکردن از گام‌های شیطان فرمان داده شده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (۱۶۸) (A و B)؛ دلیل پیروی نکردن از گام‌های شیطان در آیه بعدی مشخص شده است. به دلیل آنکه شیطان به

بدی‌ها و کار زشت فرمان می‌دهد، نباید از گام‌هایش تبعیت کرد «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۱۶۹) (B)؛ در آیه ۱۷۲، بار دیگر فرمان به استفاده از پاکیزگی‌ها داده شده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۱۷۲) (A)؛ با این تفاوت که در این آیه، خطاب تغییر یافته و برخلاف خطاب همگانی آیه نخست رکوع «یا ایها الناس»، این آیه با خطاب انحصاری «یا ایها الذین آمنوا»، آغاز شده است. در ادامه آیات رکوع، مصداقی از پیروی نکردن از گام‌های شیطان بیان شده که این مصداق، مربوط به استفاده نکردن از خوراکی‌های حرام است «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنْ لَلَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (۱۷۳) (B') درواقع در این آیات دو نوع دستور کلی مطرح شده است: فرمان به استفاده از خوراکی‌های پاکیزه و دستور به استفاده نکردن از برخی خوراکی‌های حرام که اسامی آنها در آیه اخیر ذکر شده است. دو فرمان کلی رکوع در آیات رکوع به صورت پراکنده ذکر شده و الگوی ساختاری بلاغت سامی را نمایش داده است.

۱-۲. بسط متن (گفته‌پردازی) رکوع با الگوی

تصریف در بیان

اصطلاح «تصریف در بیان»، در وهله نخست، مفهوم تکرار در بیان را به ذهن متبادر می‌کند و گاه عده‌ای این دو را چنان به کار می‌برند که گویی یک مفهوم بیش نیستند؛ حال آنکه از حیث کارکرد از هم متمایز می‌نمایند. نکته درخور ذکر اینکه در قرآن فقط

سرکشی نمرود را خشتی و نابود کرد. آیه بعدی درباره نمایش قدرت خداوند برای فردی است که احیای مردگان در روز قیامت را موضوعی غیرعادی و تصورناپذیر می‌پنداشت «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَسْتَنْهَ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۲۵۹)؛ طبق مضمون این داستان، همانگونه که خداوند به میراندن و احیای دوباره در این دنیا قادرست، در روز قیامت نیز می‌تواند استخوان‌های پراکنده و متلاشی شده را دوباره پیوند دهد و مردگان را احیا کند. در آیه آخر رکوع نیز به پاسخ به سؤال ابراهیم (ع) مبنی بر کیفیت احیای مردگان در روز قیامت با نشان دادن معجزه احیای پرندگان اختصاص دارد «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُظْمِنَنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۲۶۰)؛ «آیه شریفه دلالت می‌کند بر اینکه ابراهیم (ع) درخواست کرده بود خدا کیفیت احیا و زنده کردن را به او نشان دهد، نه اصل احیا را؛ چون درخواست خود را به این عبارت آورد «چگونه مرده را زنده می‌کنی؟»، و این سؤال می‌تواند دو معنا داشته باشد؛ معنای نخست اینکه چگونه اجزای مادی مرده، حیات می‌پذیرد و اجزای متلاشی دوباره جمع می‌شوند و

با تکرار معانی و الفاظ سروکار نداریم، بلکه با تصریف در بیان روبه رو هستیم؛ یعنی با بیان معنای واحد به طرق گوناگون. به بیان دیگر، تصریف در بیان، چگونگی ساختار دادن به اطلاعاتی است که به ظاهر در گفتمان قرآنی، تکرار یا مسبوق به سابقه به حساب می‌آیند (حری، ۱۳۸۸ش، ۱۰۲). کاربرد این نوع گفتمان در آیات مشتمل بر رکوعات قرآنی نیز یافت می‌شود.

۱. در رکوع ۳۵ بقره (آیات ۲۵۸ تا ۲۶۰)، الگوی تصریف در بیان در قالب سه آیه و درباره پاسخ‌گویی به شبهات معاد تجلی دارد. در هر سه آیه این رکوع به قدرت خداوند بر احیای مردگان در روز قیامت تأکید شده است؛ به طوری که خداوند می‌تواند «اموات» را «احیا» کند و این دلیلی روشن بر دوباره زنده کردن مردگان در روز قیامت است. در این زمینه در هر آیه سه نمونه از قصص قرآنی ذکر شده‌اند و ضمن حفظ محتوا، موضوع معاد ضمن سه آیه، در قالب‌های گوناگون بیان شده است. ابتدا از محاجه ابراهیم (ع) با نمرود درباره زنده کردن مردگان برای اثبات قدرت خداوند بر احیای مردگان یاد می‌شود «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَ أُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (۲۵۸)؛ هرچند قدرت بشری توانا بر انجام برخی امور است، مسائلی مانند طلوع و غروب خورشید تنها با قدرت الهی امکان‌پذیر و این موضوع نشانه‌ای از عظمت و یگانگی خداوند متعال است. بنابر آیه شریفه، ابراهیم (ع) با استدلال بر توحید و قدرت الهی،

به صورت موجودی زنده شکل می‌گیرند، خلاصه اینکه چگونه قدرت خدا بعد از موت و فنای بشر به زنده‌کردن آنها تعلق می‌گیرد. معنای دوم اینکه سؤال از کیفیت افاضه حیات بر مردگان باشد و اینکه خدا با اجزای آن مرده چه می‌کند که زنده می‌شوند و حاصل اینکه سؤال از سبب و کیفیت تأثیر سبب است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۶۲).

خاطر نشان می‌شود علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، تقسیم‌بندی موضوعی مشابه رکوعات قرآنی را مطرح و آیات ۲۵۸ تا ۲۶۰ بقره را به صورت سه آیه مجزا تفسیر و شرح کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۳۱-۵۸۶).

در رکوع آخر بقره (۲۸۴ تا ۲۸۶) نیز تصریف در بیان غفران الهی مشاهده می‌شود.

۱-۱-۳. بسط متن (گفته‌پردازی) رکوع با الگوی

تفصیل با تمثیل

یکی از روش‌های بسط متن در یک رکوع، ابتدا حکمی کلی بیان می‌شود و سپس وارد جزئیات و مثال‌هایی برای این حکم کلی مطرح می‌شود.

در رکوع دوم بقره (۸ تا ۲۰) و در ابتدای رکوع، از افرادی یاد می‌شود که ادعای ایمان دارند، درحالی‌که درواقع مؤمن نیستند (منافقان) «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (۸)؛ در ادامه، منافقان افرادی مریض‌القلب معرفی شده‌اند که خداوند بر بیماری قلب ایشان می‌افزاید و ایشان همان دروغ‌گویان‌اند «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (۱۰)؛ در ادامه آیات، برای تبیین و نشان‌دادن بیماری قلبی منافقان، رفتارهای ایشان در

قلب مثال‌های نمایش یافته است. از جمله رفتارهای منافقان، ادعای اصلاح در زمین است؛ در صورتی که درحقیقت ایشان فسادگران در زمین‌اند «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (۱۱)

(۱۲)؛ ویژگی دیگر رفتاری منافقان این است که مؤمنان را تحقیر می‌کنند و خود را برتر از ایشان می‌دانند «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ» (۱۳)؛ ویژگی دیگر منافقان، ایمان ظاهری

برای کسب رضایت مؤمنان، دروغ‌گویی و همچنین تمسخر است «وَ إِذَا لُقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ» (۱۴)؛ در ادامه آیات، خداوند متعال رفتار ایشان را در قالب مثال‌ها و تشبیهاتی به صورت عینی و ملموس بیان می‌کند. در ابتدا ایشان را افرادی می‌داند که هدایت را به گمراهی فروختند و این

تجارت بی‌فایده و سود است «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (۱۶)؛ در آیه هفدهم، خداوند رفتار منافقان را همانند کسی می‌داند آتشی در بیابانی افروخته و خداوند با طوفان این آتش را خاموش می‌سازد و بدین وسیله بیهودگی اعمال ایشان را یادآور می‌شود «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (۱۷)؛ در ادامه، برای تبیین

بازگشت‌ناپذیری منافقان به راه حق، ایشان را به کوران و کران تشبیه می‌کند «صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (۱۸)؛ همچنین برای تبیین بی‌فایده‌بودن

بازگشت‌ناپذیری منافقان به راه حق، ایشان را به کوران و کران تشبیه می‌کند «صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (۱۸)؛ همچنین برای تبیین بی‌فایده‌بودن

دیگری را به نحو ترتب اقتضا کند (ابن حزم، ۱۳۸۱ش، ص ۱۸۱). در اصطلاح معناشناسی هرگاه دو مفهوم کاملاً در مقابل هم قرار بگیرند، تقابل شکل می‌گیرد، همانند رودررویی واژگان ایمان و کفر (ایزوتسو، ۱۳۷۸ش، ص ۲۹۸). برخی تقابل یا مقابله را آرایه ادبی - بلاغی بدین معنا دانسته‌اند که دو یا چند معنا یاد شود، سپس آنچه به گونه موافقت یا مخالفت در برابر آنها قرار دارد، به ترتیب ذکر شود (مطلوب، ۲۰۰۰م، ص ۶۳۶). اصطلاح تقابل معنایی به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معنای متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. در معنی‌شناسی عمدتاً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل است (صفوی، ۱۳۸۳ش، ص ۹۹-۱۱۷).

یکی از گونه‌های چینش آیات در رکوعات قرآنی، تقابل دو بخش یک رکوع است. تقابل ایمان و کفر در رکوع اول بقره و همچنین تقابل ایمان و کفر و مصادیق آن در رکوع ۳۴ بقره، ساختار چینشی تقابل در رکوعات این سوره است.

۱. در رکوع نخست سوره بقره که شامل آیات اول تا هفتم این سوره است، تقابل معنایی «ایمان» و «کفر» مطرح شده است. در آیات دوم تا پنجم بقره، «مؤمنان به غیب»، و «مؤمنان به کتاب‌های آسمانی»، هدایت‌یافتگان و رستگاران ذکر شده‌اند «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)»؛ در مقابل، در آیات ششم و هفتم این سوره، از گروه «کافران» یاد می‌کند

رفتار ایشان و در راستای بیان قدرت الهی، به هراس و ترس ایشان در قالب تشبیهاتی تأکید شده است «أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹) يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۲۰) این اسلوب در رکوع دوازدهم (۹۷ تا ۱۰۳) بقره نیز به کار رفته است.

۱-۱-۴. بسط متن (گفته پردازی) رکوع با الگوی

گفتمان مقابل

از جمله گونه‌های ساختاری رکوعات سوره بقره، شیوه تقابل و یا تضاد ساختاری است؛ به گونه‌ای که در آیاتی از یک رکوع این سوره، بعد معنایی مثبت کاربرد دارد و در آیاتی دیگر از همان رکوع به بعد منفی یک مفهوم اشاره دارد و این دو مفهوم متضاد و در مقابل هم‌اند.

مقابله یا تقابل در لغت به معنای قراردادن دو چیز روبه‌روی هم است (جوهری، ۱۳۷۶ش، ج ۵، ص ۱۷۹۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۴). تقابل به معنای روبه‌روی هم قرار گرفتن، در آیه ۴۷ سوره حجر و در توصیف بهشتیان کاربرد دارد «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ*» هرگونه غل [حسد و کینه و دشمنی] را از سینه آنها بر می‌کنیم (و روحشان را پاک می‌سازیم)؛ درحالی‌که همه برابرند و بر تخت‌ها روبه‌روی یکدیگر قرار دارند» این واژه در اصطلاح منطقی، بودن چیزی است در دو طرف معنا، به نحوی که وجود یکی، وجود

خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةَ وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (۲۵۴)؛ در آیه ۲۵۶، تقابل ایمان و کفر در قالب بیان مصداق ایمان به خداوند یا ایمان به طاغوت بیان شده است «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۲۵۶)؛ در نهایت نیز تقابل ایمان و کفر در آیه آخر رکوع بیان شده است. در این آیه خداوند خود را سرپرست مؤمنان می‌داند و به ایشان وعده خارج کردن شان از ظلمات به سوی نور می‌دهد و سرپرست کافران را طاغوت می‌داند و سرنوشت ایشان را وارد شدن به دوزخ بیان می‌کند «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۲۵۷).

۱-۱-۵. بسط متن (گفته‌پردازی) رکوع با الگوی

ترتیب زمانی حوادث

حفظ ترتیب زمانی در بیان برخی موضوعات، از گونه‌های مهم ساختاری در چینش آیات سوره بقره است. توضیح بیشتر آنکه موضوعات در برخی رکوعات قرآنی به صورت متوالی و با حفظ ترتیب تاریخی بیان می‌شود.

۱. در رکوع ششم بقره (آیات ۴۷ تا ۵۹)، از اعطای نعمت‌های الهی در زمان موسی (ع) بر بنی‌اسرائیل، به ترتیب زمانی آنها یاد می‌شود. در آیه ابتدایی رکوع، بنی‌اسرائیل را به یادآوری نعمت‌هایی که بر ایشان ارزانی داشته فرامی‌خواند و فضیلت ایشان بر دیگران را متذکر می‌شود «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

که در مقابل گروه «مؤمنان» اند. همچنین در این آیات گروه «یؤمنون» و گروه «لا یؤمنون» مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. کافران با صفاتی همچون تأثیرنداشتن انداز بر ایشان شناخته می‌شوند و خداوند به کیفر کفرشان بر قلب و گوش آنها مهر نهاده و بر چشمان ایشان پرده ای از تاریکی است «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶) خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَ عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)»؛ «از آیاتی که گذشت، تقابل «ایمان» و «کفر» ضمن بیان ویژگی‌هایی از مؤمنان و کافران مطرح شده است و رکوع نخست سوره بقره به دو بخش معرفی مؤمنان و در مقابل، کافران تقسیم می‌شود. در این رکوع، تقابل ساختاری ایمان و کفر در دو بخش کلی ذکر شده است که بخش نخست شامل چهار آیه و بخش دوم شامل دو آیه است. شایان ذکر است طبق فهرست‌بندی موضوعی برخی مفسران، می‌توان تقابل میان آیات آغازین سوره بقره را بهتر یافت؛ برای مثال، در تفسیر نمونه، آیات سوم تا پنجم سوره بقره تفسیر شده است که به بیان شرح حال مؤمنان اختصاص دارد و سپس آیات ۵ تا ۸ این سوره تبیین شده است که احوال کافران را بیان می‌دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۶۹).

۲. تقابل ایمان و کفر و بیان مصادیق آن، ساختار چینشی رکوع ۳۴ سوره بقره (آیت الکرسی) شامل آیات ۲۵۴ تا ۲۵۷ این سوره است. در ابتدا به مؤمنان فرمان به انفاق در راه خداوند و تهیه توشه برای روز قیامت می‌دهد و از ایشان می‌خواهد تا مانند کافران نباشند (از انفاق سرباز نزنند) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا

طَيِّبَاتٍ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۵۷) وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۵۸).

۲. رکوع شانزدهم بقره، آیات ۱۳۰ تا ۱۴۱ این سوره را شامل می‌شود. در این رکوع از انبیای الهی که برای هدایت بشر فرستاده شده‌اند، به ترتیب زمانی نام برده شده است. این ترتیب زمانی، در آیات مختلفی از این رکوع به کار رفته است. ابتدا سخن از برگزیدگی ابراهیم (ع) به میان می‌آید «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (۱۳۰)؛ در آیه مذکور، به پیروی از آیین ابراهیم (ع) و برگزیدگی او در دنیا و آخرت تأکید شده است. در ادامه به وصیت ابراهیم (ع) و یعقوب (ع) به فرزندان شان نسبت به پذیرش آیین حق اشاره می‌کند «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (۱۳۲)؛ درحقیقت با عنایت به آیه شریفه، آیین حق همان تسلیم شدن در برابر حق است که سفارش شده تمامی انبیا قرار گرفته است. هنگامی که یعقوب (ع) در بستر مرگ قرار دارد، فرزندان خویش را به پرستش آیین حق فرا می‌خواند که همان آیین پدران ایشان یعنی ابراهیم (ع)، اسماعیل (ع) و اسحاق (ع) است «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (۱۳۳)؛ در آیه ۱۳۶ از دعوت به ایمان به انبیا به ترتیب زمانی فرستاده شده ایشان برای

ادَّكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْسَىٰ فُضِّلْتُمْ عَلَي الْعَالَمِينَ» (۴۷)؛ سپس در آیات بعدی رکوع، این نعمت‌ها را به ترتیب اعطای آنها بر بنی اسرائیل ذکر می‌کند. نخستین نعمت، نجات بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعون است؛ درحالی‌که فرزندان ایشان را می‌کشتند و به زنان ایشان تجاوز می‌کردند «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوءُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (۴۹)؛ دومین نعمت، شکافتن دریا برای بنی اسرائیل، در نتیجه نجات ایشان و غرق شدن لشکریان فرعون است «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ» (۵۰)؛ نعمت بعدی، بخشش گناه بزرگ گوساله پرستی ایشان است که این خطای بزرگ بنی اسرائیل در زمان غیبت چهل روزه موسی (ع) اتفاق افتاد «وَإِذْ وَاوَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (۵۱) ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۵۲)؛ نعمت بعدی، ایتای کتاب آسمانی به موسی (ع) برای هدایت بنی اسرائیل است «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۵۳)؛ بخشش حیات، پس از مرگ بنی اسرائیل بر اثر کفران نعمت الهی، دیگر نعمتی است که خداوند بر ایشان ارزانی داشته است «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۵۶)؛ ایتای نعمت‌های مادی همچون سایبان قرار دادن ابر برای ایشان، نزول «من» و «سلوی» و نعمت‌های پاکیزه و واردشدن به بیت‌المقدس و استفاده از نعمت‌های آن، دیگر نعمت‌های الهی و منت‌ها بر بنی اسرائیل است که در انتهای رکوع به آنها اشاره شده است «وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَآتَيْنَاكُمْ مِنَ السَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ

هدایت یاد شده است «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (۱۳۶)؛ در آیه ۱۴۰ نیز یهودی و نصاری بودن ابراهیم(ع) و نوادگان ایشان را نفی می‌کند «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (۱۴۰)؛ در آیه شریفه، کتمان حقیقت و وقایع تاریخی، بزرگ‌ترین ظلم‌ها شمرده شده است؛ در صورتی که خداوند نسبت به تمامی حقایق آگاه است.

۱-۱-۶. بسط متن (گفته پردازی) رکوع با الگوی

شمارشی

گفتمان برخی رکوعات سوره بقره بر پایه الگوی شمارشی استوار است؛ بدین معنا که بدون ذکر عدد یا شماره، به نعمت‌ها، اوامر، نواهی و ... تأکید می‌شود. در رکوع دهم سوره بقره که شامل آیات ۸۳ تا ۸۶ این سوره است، این الگوی ساختاری به کار رفته است. در آیات این رکوع، دستوراتی که به وصایای عشر (ده‌گانه) مشهورند، نام برده شده‌اند. میثاق‌هایی که موسی(ع) از بنی‌اسرائیل گرفته است به ترتیب عبارت‌اند از پرستش خدا «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ»، نیکی به پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان و مسکین‌ها «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ»، سخن گفتن نیکو «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»، اقامه نماز «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»؛ ایتای زکات «وَأَتُوا

الزَّكَاةَ» (۸۳)، نریختن خون یکدیگر «لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ» و اخراج نکردن یکدیگر «وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ» (۸۴). در ادامه آیات، به پیمان‌شکنی ایشان و سرپیچی از فرمان‌های الهی اشاره شده است (۸۵ و ۸۶)

شمارش نعمت‌ها در رکوع سوم بقره (۲۱ تا ۲۹)، اسلوب ساختار شمارشی است.

۱-۲. الگوهای سبک ساز بسط متن در گفته پردازی

رکوعات قرآنی

برخی از الگوهای گفته پردازی در رکوعات قرآنی سبک خاصی دارند. به عبارت دیگر، نوع و تعداد کاربرد یک مفهوم یا یک لفظ و ... سبک خاصی را ایجاد کرده است؛ این ویژگی سبکی، رکوع مدنظر را از سایر رکوعات متمایز کرده است.

۱-۲-۱. بسط متن با الگوی سبک ساز شروع یکسان

آیات رکوع

یکی از الگوهای سبک‌ساز حاکم بر چینش آیات یک رکوع آغازهای مشترک است. آغازین مشترک آیات نشان‌دهنده این مطلب است که صرف‌نظر از ارتباط درون‌مایه‌ای، دست‌کم از نظر ظاهری دارای یک سبک‌اند. برخی رکوعات قرآنی دارای اشتراکات ظاهری در ابتدای آیات‌اند. این اشتراک گاهی به صورت ظاهر یکسان و در برخی موارد نیز با خطاب یکسان در آغاز کاربرد دارد.

در رکوع هفتم بقره که شامل دو آیه است (آیه ۶۰ و ۶۱)، الگوی آغازین یکسان در آیات یافت می‌شود؛ بدین معنا که در ابتدای هر دو آیه واژه «وَإِذْ» به معنای «زمانی که» به کار رفته است و این دو آیه از

برای مثال در رکوع پنجم بقره (آیات ۴۰ تا ۴۶) خطاب‌های یکسان و به صورت امری به کار رفته است. آیات این رکوع خطاب به بنی‌اسرائیل است. ابتدا به ایشان فرمان یادآوری نعمت‌هایی را می‌دهد که بر ایشان ارزانی داشته است «یا بنی‌اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم»؛ سپس فرمان به وفای به عهد داده می‌شود «و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»؛ و به ایشان امر می‌شود فقط از خدا بترسند «و ایای فارهبون» (۴۰)؛ در آیه بعدی به ایمان به کتاب آسمانی فرمان می‌دهد که تصدیقی بر تورات و انجیل است (قرآن) و از کفر به آن برحذر می‌دارد «و آمنوا بما انزلت مصدقاً لما معکم و لا تكونوا اول کافر به»؛ در ادامه آیه به نفروختن آیات الهی به بهایی ناچیز فرمان می‌دهد «و لا تشرروا بایاتی تمناً قليلاً»؛ و در انتهای آیه نیز دستور به تقوای الهی می‌دهد «و ایای فاتقون» (۴۱). نیامیختن حق با باطل و کتمان نکردن حقیقت، اوامری است که در آیه ۴۲ به بنی‌اسرائیل فرمان داده شده است «و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و انتم تعلمون» (۴۲). در آیه ۴۳ فرمان به اقامه نماز و ایتای زکات داده شده است «و اقیموا الصلوة و اتوا الزکاة و ارکعوا مع الراکعین» (۴۳). در آیه ۴۴ به صورت ضمنی، فرمان به عمل کردن به آنچه می‌گویند و همچنین تفکر و تعقل داده است «أ تأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الكتاب أ فلا تعقلون» (۴۴) و در نهایت در آیه ۴۵، فرمان به استعانت و یاری جستن از صبر و صلاه داده شده است «و استعینوا بالصبر و الصلوة و انّها لکبیرة إلا علی الخاشعین» (۴۵). این سبک در رکوع هجدهم (۱۴۸ تا ۱۵۲) و بیست و

لحاظ آغاز مشترک با «اذ» در یک گونه سخن قرار می‌گیرند «و اذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً قد علم کل أناس مشربهم کلوا و اشربوا من رزق الله و لا تغثوا فی الارض مفسدین» (۶۰) و اذ قلتُم یا موسی ان نصبر علی طعام واحد فادع لنا ربک ینخرج لنا ممّا تبتت الارض من بقلها و قنائها و قومها و عدسها و بصلها قال أ تستبدلون الذی هو اذنی بالذی هو خیر اهبطوا مصرأ فان لکم ما سألتم و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة و باؤ بغضب من الله ذلک بانهم کاثوا یکفرون بایات الله و یقتلون النبین بغير الحق ذلک بما عصوا و کاثوا یعثون» (۶۱)؛ علاوه بر آغاز خطاب یکسان در آیات این رکوع، مناسبت‌های محتوایی نیز بین دو آیه وجود دارد. هر دو آیه درخواست‌های بنی‌اسرائیل درباره اعطای برخی نعمت‌های مادی را یادآور می‌شود. در ابتدا از ایشان می‌خواهد تا از روزی خداوند استفاده کنند و نافرمانی نورزند (۶۰). در ادامه نتیجه نافرمانی ایشان را بیان می‌دارد. (۶۱) آغازین یکسان با «او» در رکوع ۳۰ بقره (۲۳۲ تا ۲۳۵)، نشان‌دهنده وجود الگوی سبکی است.

۱-۲-۲. بسط متن با الگوی سبک‌ساز جملات امری از دیگر موارد الگوهای سبک‌ساز در چینش آیات در رکوعات به صورت خطاب یکسان امری است؛ یعنی این رکوع در قالب جملات امری بیان شده است. خطاب به صورت امر در قالب بیان فرمان نامه یا عهد و میثاق از سوی خداوند متعال، مطرح و به‌واسطه پیامبران الهی به بشر ابلاغ می‌شود.

رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)؛ سپس به آموزش اسماء به آدم (ع) و عرضه‌ی اسما توسط آدم (ع) به فرشتگان اشاره می‌شود «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۱) قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲) قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۳۳)؛ در ادامه آیات، به سجده فرشتگان و تمرّد ابلیس از سجده بر آدم تأکید می‌شود «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴)؛ در ادامه به اسکان آدم و همسرش در بهشت، فرمان نزدیک‌نشدن به درخت ممنوعه، فریب‌خوردن ایشان از ابلیس، هبوط به زمین، توبه آدم (ع) و پذیرش توبه اشاره می‌کند «وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵) فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۳۶) فَتَلَمَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳۷)؛ در آیات انتهایی رکوع، بار دیگر از هبوط ایشان به زمین و فرمان به تبعیت از هدایت الهی سخن به میان آمده است «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۸) وَ الَّذِينَ

پنجم (۱۹۷ تا ۲۱۰) نیز دیده می‌شود. همچنین در رکوع بیست و هفتم (۲۱۷-۲۲۱)، سه بار (آیات ۲۱۷ و ۲۱۹ و ۲۲۰) الگوی «یسالونک عن...قل...» به کار رفته است.

۳-۱. الگوهای بسط متن (گفته پردازی) بر پایه گونه سخن

گونه سخن به معنای قالب‌های ارائه مفاهیم است؛ یعنی آن دسته از قالب‌هایی که ما سخن‌انمان را در آنها ریخته و ارائه می‌کنیم. این گونه‌های سخن انواع مختلفی دارند؛ مانند گونه سخن حقوقی یا داستانی. در برخی از موارد الگوی گفته‌پردازی در رکوات قرآنی بهره‌گیری از این گونه‌های سخن همچون گونه سخن روایی و گونه سخن قانون‌نویسی است.

۱-۳-۱. گفته‌پردازی در رکوع با گونه سخن روایی

گفتمان روایی یکی از گونه‌های متن (Larson, 1998, 401) و از الگوهای تولید گفتمان رکوع، نیز هست. روایت یکی از گونه‌های سخن است که خود انواعی همچون سرگذشت‌نامه، سفرنامه، داستان، تاریخ و... دارد. ساختار چینی‌شی برخی از رکوعات سوره بقره بر اساس الگوی روایی استوار است.

۱. در رکوع چهارم بقره، شیوه روایی براساس الگوی نوع نخست آمده است. در این رکوع که شامل آیات ۳۰ تا ۳۹ این سوره است، داستان خلقت آدم (ع) و جریان‌های پس از آن در قالب ۹ آیه بیان شده است. در ابتدا از قرارداد آدم (ع) به عنوان خلیفه و اعتراض فرشتگان سخن به میان می‌آید «وَ إِذْ قَالَ

اما افرادی که یقین کامل به ملاقات خدا داشتند، هرچند تعدادشان کم بود، با صبر و استقامت و امداد الهی بر طالوت و سپاهیان‌ش پیروز شدند «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» در آیه ۲۵۰، دعای ایشان هنگام مبارزه با دشمن نقل شده است که محور اصلی این دعا صبر است «وَلَمَّا بَرَّرُوا لِحَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» در آیه بعدی نیز ثمره این صبر، پیروزی داوود بر طالوت بیان شده است (۲۵۱). در آیات آخر رکوع، به حق بودن آیات الهی (۲۵۲) و برتری انبیای الهی و رسالت ایشان (۲۵۳) تأکید شده است. درخور ذکر است رکوع هشتم (۶۲ تا ۷۱) و رکوع پانزدهم (۱۲۲ تا ۱۲۹) از الگوی روایی برخوردارند.

۱-۳-۲. گفته پردازی در رکوع با گونه سخن

حقوقی

یکی از الگوهای چینش آیات در رکوعات، الگوی نگارش قانون یا آیین‌نامه است. این الگو در آیات الأحکام مشاهده می‌شود. در تعریف آیات الأحکام گفته شده است «آیاتی است که متضمن احکام فقهی متعلق به مصالح دنیا و آخرت مردم باشد» (معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۳۱۹). همچنین بیان شده «آیات الأحکام» آیاتی است که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد (شهابی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴). گستره موضوعی این دسته از آیات به گستردگی ابواب فقهی و شامل عبادات و معاملات (عقود و ایقاعات) است.

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۹)». بنابراین ساختار این رکوع، داستانی و درصدد بیان خلقت آدم(ع) و جریانات پس از آن است که به صورت مرحله به مرحله نقل شده‌اند. خاطر نشان می‌شود به دلیل وابستگی عناصر تشکیل دهنده داستان حضرت آدم(ع)، این داستان، طی ۹ آیه، یک رکوع را مشتمل است. تقسیم‌بندی این داستان به یک رکوع، متفاوت با فهرست‌بندی موضوعی مفسران است؛ برای مثال در تفسیر نمونه، این داستان به سه بخش تقسیم شده است که در بخش نخست، آیات ۳۰ تا ۳۳، در قسمت دوم، آیات ۳۴ تا ۳۶ و در بخش سوم، آیات ۳۷ تا ۳۹ بررسی و تفسیر شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۹۷). این موضوع نشان دهنده تفاوت رکوعات با فهرست‌بندی مفسران و فلسفه ساختاری رکوعات است.

۲. رکوع ۳۳ سوره بقره که آیات ۲۴۹ تا ۲۵۳ را شامل می‌شود، ساختار این رکوع بر الگوی نوع دوم، یعنی بیان داستان‌های مربوط به افراد یا رویدادای گذشته استوار است. در این رکوع داستان طالوت و جالوت نقل شده است. طبق آیات این رکوع، لشکریان طالوت از نوشیدن آب رودخانه نهی می‌شوند و این موضوع، فرمانی الهی برای آزمایش میزان صبر و استقامت ایشان بیان شده است (مبتلیکم بنهر) و در ادامه بیان شده است که عده کمی از ایشان از این آزمایش سربلند بیرون آمدند «فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ» آزمایش دوم پس از گذر از نهر بوده است که گروهی از مؤمنان گفتند ما را طاقت نبرد با جالوت و سپاهیان‌ش نیست «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»؛

۱. در رکوع ۲۸ بقره (آیات ۲۲۲ تا ۲۲۸)، آیات الأحکام گروه دوم یعنی بیان احکام خاص ذکر شده و احکام مربوط به «نساء» ضمن چند آیه نقل شده است که یک رکوع را شامل می‌شوند. در آیات ابتدایی رکوع، درباره احکام قاعدگی زنان و امتناع از آمیزش جنسی با ایشان هنگام قاعدگی سخن به میان می‌آورد «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (۲۲۲)؛ سپس به آمیزش جنسی با زنان غیر از حالت قاعدگی فرمان می‌دهد «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُواهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (۲۲۳)؛ در آیات ۲۲۴ تا ۲۲۶ نیز درباره احکام طلاق «ایلاء» سخن می‌گوید و این موضوع را ذکر مقدماتی در حرمت سوگند خوردن به خداوند نقل می‌کند «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۲۲۴) لا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (۲۲۵) لِلَّذِينَ يُؤْتُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۲۲۶)؛ «معنای آیه این است که هر کس سوگند بخورد که دیگر به همسرش نزدیک نشود، حاکم شرع چهار ماه صبر می‌کند، اگر برگشت و حق همسرش را ادا کرد، یعنی با او هم بستری کرد و کفاره شکستن قسم خود را داد، او را عقاب نمی‌کند و اگر تصمیم گرفت طلاقش دهد و طلاقش داد که باز عقابی ندارد؛ چون طلاق هم

گریزگاه دیگری است از عقاب و خدای شنوای دانا است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۳۹). در آیات انتهایی رکوع نیز احکام طلاق نقل شده اند «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۲۲۷) وَ الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۲۲۸).

۲. رکوع ۲۴ (آیات ۱۸۹ تا ۱۹۶) نیز شامل آیاتی درباره بیان احکام خاص شرعی با موضوعات اجتماعی سیاسی است. در آیه نخست این رکوع درباره کاربردهای هلال‌های ماه سخن به میان می‌آید و از آن وسیله‌ای برای بیان اوقات و تعیین وقت حج یاد می‌شود «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱۸۹)؛ سپس فرمان به نبرد در راه خدا در راه حد متعادل مطرح می‌شود «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (۱۹۰)؛ در آیه ۹۱ به قتل مشرکان جز در مسجد الحرام فرمان می‌دهد «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَفَّتُمْوَهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»؛ در آیه ۱۹۳ نیز دوباره به پیکار با مشرکان تا تبعیت ایشان از آیین حق فرمان می‌دهد «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ

گفته‌پردازی رکوعات قرآنی و الگوهای تخصصی (ژانری) گفته‌پردازی رکوعات قرآنی.

۱. الگوهای عمومی بسط متن در گفته‌پردازی رکوعات قرآنی شامل الگوی بلاغت سامی است که بیان‌کننده پیوستگی و هدفمندی آیات مشتمل بر یک رکوع است و به صورت الگوی متوازی و دایره‌ای در رکوعات سوره بقره تجلی دارد که در هر دو اسلوب، نظم بلاغی بی‌بدیل قرآن کریم اثبات‌پذیر است. همچنین در الگوی تصریف در بیان، هدف اعتقادی و هدایتی قرآن کریم در قالب‌های گوناگون با حفظ محتوا بیان شده است که در رکوعات سوره بقره، این ساختار در ضمن نقل سه داستان با مضمون پاسخ‌گویی به شبهات توحید و معاد مطرح شده است. اسلوب بیان اجمالی و نقل مصداق و تمثیل در تفصیل آن شامل یادکرد از منافقان و در ادامه توضیحاتی مبسوط از رفتارهای ایشان است. تقابل مفهومی ایمان و کفر در برخی رکوعات نشان‌دهنده الگوی گفتمانی برابر و متضاد است. شیوه بیانی متوالی همراه با حفظ ترتیب زمانی درخصوص شمارش نعمت‌های ارزانی شده از خداوند و همچنین شمارش فرستادگان الهی برای هدایت بشر نقل شده‌اند. درنهایت، الگوی شمارشی در قالب تذکر فرمان‌های عشر یا ده گانه نازل‌شده بر بنی‌اسرائیل تجلی یافته است.

۲. ساختار برخی رکوعات سوره بقره بر اسلوبی سامان یافته که دارای سبک خاص است. به عبارت دیگر، گفته‌پردازی به‌گونه‌ای انجام گرفته که حاصل آن، شکل‌گیری یک سبک خاص بیانی برای یک رکوع است؛ برای نمونه، سبک یک رکوع بر پایه استفاده حداکثری از اسلوب امری است. در نمونه‌ای

لا تَكُونَنَّ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ در آیه ۱۹۴ درباره احکام جنگ در ماه‌های حرام سخن می‌گوید «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ در آیه ۱۹۵ به وجوب انفاق در راه خدا تأکید می‌ورزد «وَ اتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». درنهایت در آیه آخر رکوع نیز احکام مفصلی از حج را بیان می‌کند. بیان احکام شرعی در رکوعات بیست و سوم (۱۸۲ تا ۱۸۸ بیان احکام روزه)، و رکوع سی و یکم (۲۳۶ تا ۲۴۲) و رکوع بیست و نهم (۲۲۹ تا ۲۳۱ احکام طلاق) تجلی دارد.

نتیجه‌گیری

اگرچه نمی‌توان به صورت قطعی درباره رکوعات و فلسفه آنها اظهار نظر کرد، بررسی‌های صورت‌گرفته نشان‌دهنده نظم خاصی است که آیات در برگزیده یک رکوع از آن پیروی می‌کنند. مطالعه ابعاد مختلف رکوعات قرآنی و نقش آنها در اثبات نظم و پیوستگی آیات قرآن و ارتباط متقابل آیات با یکدیگر کوششی جدید و راهگشا در پژوهش‌های مربوط به نظم قرآن است.

تحلیل و بررسی ساختار چینشی آیات در رکوعات سوره بقره، به صورت کلی حاکی از وجود سه الگو در گفته‌پردازی و بسط متن در این رکوعات است: الگوهای عمومی بسط متن در گفته‌پردازی رکوعات قرآنی، الگوهای سبک‌ساز بسط متن در

دیگر از این دست آغازین بیشتر آیات یک رکوع با «إذ» است. ساختار منظم رکوعات سوره بقره نشان‌دهنده تصادفی نبودن تقسیم‌بندی آیات قرآن کریم به رکوعات است؛ زیرا هر یک از رکوعات مطالعه‌شده نظم دقیق و منطقی را نشان می‌دهد که آغاز و انجामी مشخص دارند.

۳. الگوی ژانری در رکوعات سوره بقره در قالب‌هایی همچون شیوه بیان روایی با نقل داستان‌های پیشینیان، شیوه بیان قانونی با نقل آیات مشتمل بر احکام خاص شرعی تجلی یافته است. هر یک از رکوعات مذکور درصدد القای مفهوم و معنایی منسجم‌اند که گاه به صورت فرمان، در برخی موارد به صورت ارشادی و گاهی به صورت جملات نهی‌کننده به کار رفته‌اند.

اگرچه برای اثبات انسجام ظاهری و محتوایی رکوعات قرآنی، لازم است ده‌ها پژوهش از این دست انجام بگیرند و پس از استقصای موارد به درستی یا نادرستی آن نظر داد؛ اما این پژوهش می‌تواند آغازگر و نقطه عزیمتی برای مقصدی دیگر و پرسش‌هایی تازه‌تر و متفاوت‌تر باشد. همچنین لازم است به دنبال روش‌ها و نشانه‌های کاربردی بود که به این سؤال پاسخ دهد که آیا فهرست بندی موضوعی قرآن براساس رکوعات قرآنی امری تصادفی است یا فلسفه خاصی در آن نهفته است که درنهایت نظم قرآن را ثابت می‌کند.

پی‌نوشت

۱. طبق گفته علی محمد ضبّاع (د ۱۳۷۶ ق) در انتهای قرآنی - که زیر نظر او به چاپ رسید - تعداد آیاتی از قرآن را نشان می‌دهد که اگر کسی هر روز

آن تعداد را حفظ کند، در طی ۲ سال، تمام قرآن را حفظ خواهد کرد. طبق این گفته، کل رکوعات باید حدود ۷۳۰ عدد باشد و شاید وجه تسمیه این نوع تقسیم به رکوع، به دلیل مقدار مناسب هر یک از این تقسیمات باشد که نمازگزار بعد از قرائت حمد در نماز، آن مقدار را بخواند و به رکوع برود (البته طبق فقه اهل سنت که قرائت سوره کامل بعد از حمد، واجب نیست). هرچند با مراجعه به قرآن‌هایی که علامت رکوع دارند، در می‌یابیم تعداد رکوع‌ها در کل قرآن ۵۵۵ عدد است که با گفته ضبّاع تناقض دارد (مستفید، ۱۳۸۱ش، تمام اثر).

۲. شایان ذکر است علامت «ع» در قرآن‌های چاپ‌شده شبه‌قاره هند، همراه با شماره‌هایی در حاشیه مصحف دیده می‌شود؛ برای مثال، در کنار آخرین آیه سوره بقره شماره‌ای در بالا، شماره‌ای در وسط و شماره‌ای نیز در پایین حرف «ع» قرار می‌گیرد. شماره‌ای که در بالای حرف «ع» قرار دارد، به شماره مسلسل رکوع در سوره اشاره دارد. شماره‌ای که در وسط حرف «ع» قرار دارد، بیان‌کننده تعداد آیات رکوع مدنظر است و شماره پایینی، به شماره مسلسل رکوع در جزء مدنظر اشاره دارد (مستفید، ۱۳۸۱ش، تمام اثر).

۳. Greek rhetoric

۴. شبیه‌ترین مباحث بلاغیان پیشین به مباحث امروزیین بلاغت سامی، پیدایش اصطلاحاتی همچون «لف و نشر»، «مفصل مرتب» و «تبیین و تفسیر» است (برای آشنایی بیشتر نک: ونزبرو، ۱۳۹۱ش، صص ۱۱-۵۵).

- of Tamhid.
- Matloob, A. (2000). *Glossary of Rhetorical Terms and Their Evolution*. Beirut: Maktabe of Lebanon.
- Mint, R, P. & Farouton, L. & Sanbo, N. (2004). *Rhetorical Analysis and Interpretation: Analysis of the texts of the Holy Qur'an and the traditions of the Prophet*. Beirut: Dar ul Mashriq.
- Moradi Zanjani, H. & Lesani Fesharaki, M. (1385), *Thematic Research Method in the Holy Qur'an*. Unknown location: Qalam Mehr Publications.
- Mostafid, H. (1381), "Tahzib and Tajziye of the Quran (Grouping and Analyzing of the Holy Qur'an)". *Roshd Amuzesh Quran*, N. 1, pp. 61-56.
- Ragheb Esfahani, H. (1412). *Simple Substances of Quranic Words*. Damascus: Dar ul Qalam.
- Safavi, K. (1383). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Surah Mehr.
- Safavi, K. (1384). *Semantic Descriptive Dictionary*. Tehran: Farhang Muaser.
- Shahabi, M. (No date). *Jurisprudence Periods*. Tehran: Publication of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Silvi Boyce Liuwe, A. (1388). "A Reading of the Fifth Chapter of Quran". translated by Marzieh Soleimani, *Kitab Mah Din*, No. 149, pp. 52-48.
- Tabatabai, S. (1374). *Al-Mizan commentary*. Translated by Muhammad Baqir Mousavi, Qom: Jamie Modarresin affiliated to the Qom Seminary.
- Wansbrough, J. (1391). *Arabic rhetoric and commentary of the Quran with an eye on Epanodos*. published in the collection of articles of the western Qur'anic studies, Quranic language, Qur'anic commentary, translated by Morteza Kariminia, Tehran: Hermes publication.
- کتابنامه
- Qur'an. Translated by Naser Makarem Shirazi.
- Abd ul Rauf, H. & Horri, A. (1390). "Extension of the Text and Methods of Presentation in the Qur'anic Discourse (Examining the Claims of Richard Bell on Being Broken of the Qur'an)". *The Scientific Research Journal of Qur'anic investigations*, N. 68, pp. 117-86.
- Horri, A. (1388). "The Function of Inflexion in Two Qur'anic Chapters Regarding the Creation Text in the Light of Halliday Text Transcoding ". *Foreign Languages Studies*, N. 55, pp. 101- 116.
- Ibn Hazm, A. (1381). *Ibn Hazm al-Andalusi Treatises*. Beirut: Al Muasese ul Arabiye.
- Izutsu, T. (1378). *The Concept of Faith in Islamic Theology*. Translated by Zahra Poorsina, Tehran: Soroush Publication.
- Jawhari, I. (1376). *Taj ul Logha and Sihah ul Arabiye (The Crown of Language and Correcting Arabic)*. Beirut: Dar ul Elam Lilmmulayeen.
- Larson, Milard, L. (1998). *Meaning-Based Translation, 2nd Edition*, University Press of America.
- Lesani Fesharaki, M. & Moradi Zanjani, H. (1395). *Recognition of Qur'an Chapters (Structural Research Method in the Holy Qur'an)*. Qom: Nasayeh Publication.
- Makarem Shirazi, N. (1371). *Nemoone Commentary*. Tehran: Dar ul kotob ul Islamiyah.
- Makvand, M. & Shaker, M. (1394). "Rereading the Qur'anic Text Coherence in the Light of Symmetrical Order Theory". *Qur'anic Studies*, 20th Year, N. 76, pp. 33-4.
- Marefat, M. (1388). *Commentaries and Commentators*. Qom: The publication



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی